

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۵ جون ۲۰۱۶

تنظیم، تصحیح و شرح لغات: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۶۹

قصائد

- ۶۵ -

در مدح عبدالشکور خان

گر به دستور کلیم^۱، آسمان از پی ثعبان^۲، ید بیضا^۳ عیان
خسرو سیمین سلب^۴ صبح عید کش روان، خنگ فلک، زیر ران
خیل سحر یکسره گیتی گرفت از حد چین، تا به در^۵ قیروان
دوده و شنگرف و سفیداب ریخت کاتب تقدیر، به یک آلیقه^۶ دان

^۱ "کلیم": کلمه عربی و در معنای "همکلام" (صفت مشابهه از "کلام") و لقب "موسی پیغمبر" است، که نظر به روایات دینی در کوه سینا، با خدا گپ زد، و گویا "همصحبیت خدا" گردید

^۲ "ثعبان": (بر وزن "شعبان") کلمه عربی و در معنای "شاهمار" یا "ازدها"

^۳ "ید بیضا": کلمه دری و مرکب از دو کلمه عربی، یکی "ید" در معنای "دست" و دیگر "بیضا"، که در معنای "سفید" است. از نگاه عربی کلمه "ید" مؤنث لفظی ست و باید صفت آن هم مؤنث باشد و "بیضاء" مؤنث "ابیض" است، که صفت مشابهه است.

^۴ "سلب": (به فتح تین) کلمه عربی و در معنای "پوست" است؛ پس "سیمین سلب"؛ یعنی "سفید رنگ" یا "سیمین پوست"

^۵ "قیروان": اصلاً معرب "کاروان" دری ست و هم شهری ست در "اتیونس" امروزی

^۶ "آلیقه": آنست، که در تداول به "لقه" مشهور است، و "آلیقه دان"؛ یعنی "دوات"، که در زبان گفتار ما؛ دیوات" گفته شود

شاهد روز، این تَنُّقِ مشک رنگ باز فگند از رخ خود، بر کران
 گشت پدیدار، ز قلب افق چتر زرِ^۷ خسرو سیارگان
 گنج فشان، بر همه اطراف دهر همچو کف صاحب عالی مکان
 روشنی افزای چراغ مهی انجمن آرای بساط میهمان
 خان فلک حشمتِ خورشید قدر آن، که چو نامش ببرد نکته دان
 از شرف و از کرم و داد و رفق
 حرف نخست، آیدش اندر زبان

^۷ "خسرو سیارگان" و "شاه ستارگان" و ... ، کنایه از "آفتاب" است